

تجسم جمهوریت و اسلامیت نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر نادر میرزاده کوهشاهی* / حسن فارسی**

چکیده

جمهوری اسلامی با معرفی امام خمینی (ره) و تأیید اکثریت مردم ایران به عنوان نوع حکومت پس از سقوط نظام پهلوی مشخص گردید. در این خصوص سوالی که قابل طرح است این است که این نوع حکومت چه بازتابی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ جمهوری اسلامی به عنوان نوع حکومت، در تار و پود قانون اساسی بازتاب یافته است. انتخابی بودن رهبر، انتخابی بودن رئیس جمهور، انتخابی بودن اعضای مجلس شورای اسلامی، انتخابی بودن اعضای شوراها و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی برای افراد ملت از مهم‌ترین جلوه‌های جمهوریت نظام و مبتنی بودن نظام بر پایه اصول دین و مذهب، اعلام رسمیت دین اسلام، لزوم مطابقت همه قوانین و مقررات نظام با موازین اسلامی و قرار گرفتن ولی فقیه در رأس حکومت از مهم‌ترین جلوه‌های اسلامیت نظام در قانون اساسی است. در نوشتار حاضر و با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های اسنادی سعی بر این است که به پرسش فوق‌الذکر پاسخ داده شود.

کلید واژه‌ها

امام خمینی (ره)، جمهوری اسلامی، قانون اساسی، جلوه و بازتاب.

* عضو هیأت علمی و استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
** عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

مقدمه

با رهبری امام خمینی (ره) مبارزات چندین ساله مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به نتیجه رسید و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. با معرفی امام خمینی (ره) و تأیید اکثریت مردم، «جمهوری اسلامی» به عنوان نوع حکومت جدید جایگزین نظام پهلوی گردید.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مباحث قابل توجهی در خصوص حقوق اساسی جمهوری اسلامی مطرح شده است اما در خصوص تأثیر نوع حکومت بر قانون اساسی و به بیان دیگر در خصوص جلوه‌ی دو بعد مهم آن یعنی «جمهوریت» و «اسلامیت» حکومت در قانون اساسی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، و در اکثر مباحث مطرح شده بر یکی از این ابعاد تأکید شده و بعد دیگر در حاشیه قرار گرفته است. با عنایت به این موضوع در تحقیق حاضر سعی بر این است با پرداختن به هر دو بعد حکومت به این پرسش پاسخ داده شود که نوع حکومتی که در ۱۱ و ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به تأیید اکثریت مردم ایران رسید چه بازتابی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. مجموعه مطالب در سه گفتار سامان یافته است. در گفتار اول تکوین جمهوری اسلامی و تبیین مفاهیم جمهوری و اسلامی، در گفتار دوم نمادهای (جلوه‌های) جمهوریت نظام در قانون اساسی، در گفتار سوم نمادهای (جلوه‌های) اسلامیت نظام در قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن با جمع‌بندی مطالب نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

گفتار اول: تکوین جمهوری اسلامی و تبیین مفاهیم جمهوریت و اسلامیت

الف) تکوین جمهوری اسلامی

۱- معرفی جمهوری اسلامی به عنوان نظام مطلوب از سوی امام خمینی (ره)

عمر رژیم شاه، در تاریخ ۵۷/۲/۴ امام خمینی (ره) در پاسخ سؤال خبرنگار روزنامه لوموند، ضمن رد نظام سلطنتی مسأله حکومت اسلامی را مطرح نمود و اعلام کرد:

«کمال مطلوب ما ایجاد یک دولت و حکومت اسلامی است». (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب، جلد ۳: ۳۷۲). اما حکومت اسلامی یک لفظ کلی بود که نشانگر محتوای حکومت بود و شکل و نوع این حکومت را نشان نمی‌داد و به نظر می‌رسید که باید به‌طور صریح‌تری نوع حکومتی که برای جایگزینی نظام سلطنتی مدنظر بود مشخص شود.

امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با مجله فیگارو، ضمن رد نظام سلطنتی، جمهوری اسلامی را به‌عنوان نوع حکومتی که جایگزین آن خواهد شد معرفی نمود: «این شکل حقوقی رژیم نیست که اهمیت دارد، بلکه محتوای آن مهم است. طبیعتاً می‌توان یک جمهوری اسلامی را در نظر گرفت...» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب: جلد ۴: ۳).

پس از فراگیر شدن مبارزات علیه رژیم و نمایان شدن علائم سقوط رژیم سلطنتی، امام (ره) به صراحت از «جمهوری اسلامی» به‌عنوان شکل و نوع نظام سیاسی مطلوب برای جایگزینی رژیم سلطنتی نام برد و پس از آن در مصاحبه‌ها، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها به تشریح ابعاد مختلف جمهوری اسلامی پرداخت (شفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ۲۸).

در همین خصوص ایشان در تاریخ ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۵۷ در سخنرانی خود اعلام کرد: «هیچ ابهامی در این پیشنهاد که ملت ایران با فرماندم خود در سراسر کشور مکرراً اعلام کرده نیست و نظام حکومتی ایران جمهوری اسلامی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب، جلد ۴: ۳۰۹). به پیروی از امام (ره) شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به یکی از شعارهای اصلی تظاهرکنندگان علیه رژیم شاه تبدیل شد (شفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ۲۹).

در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۷، امام خمینی در حکم انتصاب مهدی بازرگان به‌عنوان رئیس دولت موقت، مهمترین وظیفه وی را، «انجام فرماندم و رجوع به آراء عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی» مشخص نمود (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب، جلد ۶: ۵۴).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) تعیین نوع نظام سیاسی را از مأموریت‌های اصلی دولت موقت مقرر نمود، ایشان پس از یک سکوت تقریباً یک ماهه، از نهم اسفند ۱۳۵۷ همواره تا روز برگزاری همه پرسی تعیین نوع نظام سیاسی، تعیین نوع نظام سیاسی را از اولویت‌های اصلی معرفی و بر جمهوری اسلامی به‌عنوان نوع نظام سیاسی کشور تأکید نمود و به شدت عناوین دیگری که برای نظام سیاسی مطرح می‌گردید را نفی کرد (فوزی، ۱۳۸۴، جلد اول: ۲۴۴-۲۳۷).

امام خمینی (ره) در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۵۷ در آستانه عزیمت به قم در پیام مهمی ضمن نوید برگزاری فراندنم تعیین شکل حکومت اعلام نمود: «لازم است تذکر دهم آنچه اینجانب به آن رأی می‌دهم «جمهوری اسلامی» است و آنچه ملت شریف ایران در سرتاسر کشور با فریاد از آشتیبانی نموده است همین جمهوری اسلامی بوده است نه یک کلمه زیاد نه یک کلمه کم. من از ملت شریف انتظار دارم که به جمهوری اسلامی رأی دهند که تنها این، مسیر انقلاب اسلامی است» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب، جلد ۶: ۲۶۵). ایشان پس از عزیمت به قم نیز به‌طور مکرر در سخنرانی‌ها و پیام‌های مختلف خود مردم و اقشار مختلف را به شرکت در فراندنم تعیین نوع نظام سیاسی دعوت و از آنها تقاضا نمود جمهوری اسلامی را انتخاب کنند نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد (همان، ۳۲۴، ۳۴۸، ۳۵۳ و ۳۷۸).

در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۵۸ و در آستانه برگزاری فراندنم تعیین نوع نظام سیاسی، امام (ره) ضمن دعوت مردم به شرکت در فراندنم از آنها می‌خواهد که به جمهوری اسلامی رأی دهند: «فردا روز فراندنم است؛ روزی است که مقدرات شما تعیین خواهد شد. روزی است که یا اسلام پیش می‌برد و یا کفر. روزی است که «آری» اسلام است و «نه» مخالف اسلام... من جمهوری اسلامی را به جان و دل «آری» می‌گویم و از شما خواهران و برادران می‌خواهم که بروید و «آری» بگویید.» (همان، ۴۳۱ و ۴۳۲).

۲- تثبیت و نهادینه‌شدن حکومت جمهوری اسلامی

علی‌رغم مخالفت برخی گروه‌ها با جمهوری اسلامی (قلفی، ۱۳۸۴: ۲۲۶) در فراندنم تعیین نوع نظام سیاسی که در روزهای دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ برگزار گردید، ۹۲/۵ درصد واجدین شرایط شرکت نمودند و ۹۸/۲ درصد شرکت‌کنندگان به جمهوری اسلامی رأی دادند. و این گونه بود که نظام جمهوری اسلامی رسماً به تأیید ملت ایران رسید.

از آنجا که کمتر از دوماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، نوع حکومت در همه پرس‌های دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ به تأیید ملت رسیده بود، تدوین‌کنندگان پیش‌نویس قانون اساسی و مجلس بررسی نهایی قانون اساسی چاره‌ای جز پیش‌بینی آن بدون هرگونه تغییری در قالب قانون اساسی نداشتند. به همین دلیل و نیز به دلیل

اهمیت و تأثیرگذاری آن در قانون اساسی، نوع حکومت اولین اصل پیش نویس قانون اساسی را به خود اختصاص داده بود. اصل اول پیش نویس به این شرح نوع حکومت را معرفی نموده بود: «نوع حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران در پی انقلاب اسلامی پیروزمندش در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین سال یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با اکثریت ۹۸/۲٪ به آن رأی مثبت داده است»

اصل فوق که در گروه یک، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بررسی شده بود، در جلسه نهم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد رسیدگی قرار گرفت (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۲۰۶-۱۹۶) و به عنوان اصل اول قانون اساسی به صورت ذیل تصویب شد:

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید آیت‌الله‌العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

این اصل در زمره اصول کلی قانون اساسی است. بنا به آنچه در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد توجه بوده، منظور از اصل کلی در قانون اساسی، اصلی است که به عنوان مبنا برای یک یا چند اصل دیگر در فصول بعدی قانون اساسی شناخته می‌شود، یا خودش یکی از پایه های قانون اساسی است (همان، ۱۹۶). بنابراین اصل اول قانون اساسی که مبین نوع حکومت است خود مبنایی است برای اصول دیگری در قانون اساسی که در قسمت های بعد مطرح خواهند شد. با عنایت به اهمیت موضوع، در بازنگری سال ۱۳۶۸، در اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی، محتوای اصول مربوط به جمهوری بودن و اسلامی بودن نظام و نمادهای مهم این دو تغییر ناپذیر اعلام شدند.

ب) تبیین مفاهیم جمهوری و اسلامی

۱- حکومت جمهوری

جمهوری که در تقسیم‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها، صورت خالص حکومت همه مردم است (قاضی، ۱۳۷۰: ۳۶۲) از قرن هفدهم معنی کشور بدون پادشاه دارد و برخی تعاریف اصرار دارند که تنها کشورهایی را که دارای مقررات انتخاب (مستقیم یا غیرمستقیم) رئیس دولت هستند، می‌توان به درستی جمهوری خواند. (مکلین، ۱۳۸۱: ۷۰۱) بنا به تعریفی دیگر، جمهوری شکلی از حکومت است که در آن دولت به وسیله نمایندگان که منتخب مردم هستند اداره می‌شود. این اصطلاح اساساً در خصوص حکومتی به کار می‌رود که در آن رهبر طبق قانون اساسی تعیین می‌شود و در برابر حکومت‌هایی است که در آنها رهبری موروثی است (Garner, 2000). همچنین طبق تعریف دیگری، مراد از حکومت جمهوری حکومتی است که در آن جانشینی رئیس کشور ارثی نیست و عالی‌ترین مقام رسمی کشور، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم منتخب مردم است (آشوری، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

تعاریف مزبور بر حکومت جمهوری به معنای حکومتی که در آن مردم در انتخاب مقامات سیاسی نقش دارند دلالت دارند. به علاوه جمهوری که نوعی از دموکراسی است (قاضی، ۱۳۷۰: ۳۶۵ و عالم، ۱۳۸۶: ۲۷۴) و اغلب درجاتی از دموکراسی را نیز در بردارد از زمان انقلاب آمریکا و فرانسه جمهوری معنای حکومت قانونی را یافت که در آن حقوق مدنی و آزادی‌های فردی وجود داشته باشد (همان، ۱۱۱).

باید خاطر نشان ساخت که از دیدگاه امام خمینی (ره) جمهوری ناظر بر همان معنای رایج آن بوده است. ایشان در پاسخ به خبرنگاری در خصوص جمهوری مورد نظر خود می‌فرماید: «ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب، جلد ۴: ۲۴۸). امام (ره) همچنین در تبیین حکومت جمهوری اسلامی می‌فرماید:

اما جمهوری، به همان معنایی است که همه جا جمهوری است لکن این جمهوری به یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام است. این که ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود اینها بر اسلام متکی

است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست» (همان، ۴۷۹).

۲- مفهوم اسلامیت نظام جمهوری اسلامی

برای دریافت مفهوم اسلامیت نظام، آگاهی از دیدگاه امام خمینی(ره) بنیان گذار جمهوری اسلامی در این خصوص ضروری است.

چنان که در بند قبل بیان شد امام خمینی(ره) در آستانه به بار نشستن مبارزات سیاسی خود و مدتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است که نوع حکومت مورد نظر خود را جمهوری معرفی می‌کند. البته جمهوری مد نظر امام (ره) یک قید بسیار مهم دارد و آن هم اسلامی بودن این جمهوری است. اما منظور ایشان از اسلامی بودن جمهوری چیست؟ امام (ره) در تبیین اسلامیت حکومت می‌فرماید:

«لکن این جمهوری به یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام است. این که ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است» (همان، ۴۷۹) ایشان با عباراتی مشابه در جای دیگر می‌فرماید:

«اما اسلامی، برای این که قانون اساسی اش عبارت است از قانون اسلام. اسلام در همه ابعاد قانون دارد و به همین جهت احتیاج به قوانین دیگر نداریم و قانون اساسی فعلی را تصفیه می‌کنیم، یعنی نظر می‌کنیم. هر مقدارش موافق با قانون اسلام است، آن را حفظ می‌کنیم و هر مقدارش که مخالف با قانون اسلام است آن را حذف خواهیم کرد» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ب، جلد ۵: ۱۷۰)

با عنایت به مراتب فوق منظور امام خمینی (ره) از اسلامی بودن نظام این است که احکام و قوانین اسلام تنظیم کننده روابط و مناسبات مختلف حکومت باشد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که مراد از اسلامی بودن نظام «این است که حکومت جمهوری ایران با اصول و مقررات اسلامی اداره می‌شود و بر محور اسلام حرکت

می‌کند و جهت می‌گیرد» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۷: ۵۴) در این مقاله همین مفهوم مورد توجه است.

گفتار دوم: جلوه‌های جمهوریت نظام در قانون اساسی

الف) اتکاء امور کشور به آراء عمومی

طبق اصل ششم قانون اساسی، «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد»

این اصل از جلوه‌های مهم جمهوری بودن نظام است. از آنجا که این اصل از اصول کلی قانون اساسی است خود مبنایی است برای اصول دیگری از قانون اساسی که در جای خود به بیان آنها می‌پردازیم.

ب) انتخابی بودن رهبر

۱- انتخاب رهبر قبل از بازنگری ۱۳۶۸

طبق اصول پنجم و یکصد و هفتم قانون اساسی ۱۳۵۸، دو شیوه کلی برای تعیین رهبری مشخص شده بود:

۱-۱ از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدن

این روش انتخاب رهبری با عنایت به تجربه عملی در خصوص پذیرش رهبری امام خمینی (ره) در قانون اساسی پیش بینی شده بود. تردیدی نیست که در این روش در خصوص امام (ره) پذیرش و رضایت مردم به طور آشکاری وجود داشت اما به دلیل ابهام در خصوص اعمال این روش (همان، ۲۴۳) پس از حضرت امام (ره) چنانکه خواهیم دید، این روش در بازنگری سال ۱۳۶۸ حذف گردید.

۲-۱- انتخاب رهبر یا اعضای شورای رهبری از سوی مجلس خبرگان

در این شیوه مجلس خبرگان رهبری می‌توانست نسبت به انتخاب یکی از فقهای واجد شرایط به‌عنوان رهبر اقدام نماید و یا چند نفر از فقها را به‌عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی کند.

از آنجا که طبق اصل یکصد و هشتم قانون اساسی و قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان (منصور، ۱۳۸۱: ۸۴-۵۷) که در اجرای اصل مزبور تصویب شده بود، اعضای مجلس خبرگان رهبری به‌طور استانی از سوی مردم انتخاب می‌شدند، و خبرگان رهبر یا اعضای شورای رهبری را انتخاب می‌کردند، رهبر به‌طور غیرمستقیم منتخب مردم محسوب می‌شد. یعنی رهبر یا اعضای شورای رهبری به‌صورت دو درجه‌ای از سوی مردم انتخاب می‌شدند.

۲- انتخاب رهبر بعد از بازنگری ۱۳۶۸

پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با اصلاح اصول پنجم و یکصد و هفتم قانون اساسی، منحصراً تعیین رهبر، به صورت انتخاب یکی از فقهای واجد شرایط از سوی مجلس خبرگان مقرر گردید. از آنجا که طبق اصل یکصد و هشتم قانون اساسی و قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان (همان) که در اجرای اصل مزبور تصویب شده است، اعضای مجلس خبرگان رهبری از سوی مردم انتخاب می‌شوند رهبر به‌طور غیر مستقیم منتخب مردم محسوب می‌شود. به این ترتیب عالی‌ترین مقام رسمی کشور در جمهوری اسلامی ایران به‌طور دو درجه‌ای منتخب مردم است. و یکی از مختصات اصلی جمهوری بودن نظام در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.

ج) انتخابی بودن رئیس جمهور

بر اساس اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. طبق اصل ششم قانون اساسی، یکی از مصداق‌های اتکاء امور کشور به آراء عمومی انتخاب رئیس جمهور است و بنا به اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی، رئیس

جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است. اصول یکصد و پانزدهم تا یکصد و بیستم قانون اساسی هم در خصوص برخی مسائل مربوط به انتخاب رئیس جمهور می‌باشند.

با عنایت به مراتب فوق، انتخاب رئیس جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران کاملاً منطبق با معیارهای یک حکومت جمهوری است. هم به‌طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود. هم دوره ریاست جمهوری محدود به چهار سال است و هم بازگزینی رئیس جمهور با محدودیت مواجه است.

د) انتخابی بودن اعضای مجلس شورای اسلامی

طبق اصل شصت و دوم قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند و شرایط تفصیلی انتخابات را قانون معین خواهد کرد. در برخی از کشورها بخشی از اعضای قوه مقننه انتخابی نیستند و از سوی رئیس کشور منصوب می‌شوند و یا موروثی هستند (قاضی، ۱۳۸۳: ۱۹۱). اما در جمهوری اسلامی ایران تمامی اعضای مجلس شورای اسلامی از سوی مردم انتخاب می‌شوند. بر این اساس مردم نقش اساسی در شکل‌گیری قوه مقننه و تصمیم‌گیری و اداره امور کشور برعهده دارند.

ه) انتخابی بودن اعضای شوراها

برابر اصل یکصدم قانون اساسی، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

از آنجا که مطابق اصل هفتم قانون اساسی، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند، مردم با انتخاب اعضای این شوراها نقش مهمی در اداره امور کشور ایفا می‌نمایند.

و) به رسمیت‌شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی برای افراد ملت

از آنجا که پس از شاخص انتخابی بودن مقامات عالی سیاسی، وجود حقوق و آزادی‌های اساسی را می‌توان شاخص دیگر یک حکومت جمهوری دانست (آشوری، ۱۳۷۰: ۱۱۱). در این قسمت اصول قانون اساسی در خصوص حقوق و آزادی‌های اساسی مرور می‌شود.

۱- براساس اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف جمهوری اسلامی مقرر در اصل دوم قانون اساسی همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

الف) تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

ب) تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۲- طبق اصل نهم قانون اساسی سلب آزادی‌های مشروع هر چند با وضع قوانین منع شده است.

۳- طبق اصل نوزدهم، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

۴- بنا به اصل بیستم، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۵- بنا به اصل بیست و دوم، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۶- بر اساس اصل بیست و سوم، تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

- ۷- بنا به اصل بیست و چهارم، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.
- ۸- بنا به اصل بیست و پنجم، بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.
- ۹- بنا به اصل بیست و ششم، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.
- ۱۰- طبق اصل بیست و هفتم، تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.
- ۱۱- طبق اصل بیست و هشتم، هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.
- ۱۲- طبق اصل بیست و نهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.
- ۱۳- بنا به اصل سی و دوم، هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.
- ۱۴- بنا به اصل سی و سوم، هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.
- ۱۵- طبق اصل سی و چهارم، دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها

- را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.
- ۱۶- براساس اصل سی و پنجم، در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.
- ۱۷- طبق اصل بیست و ششم، حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.
- ۱۸- بنا به اصل سی و هفتم، اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
- ۱۹- بنا به اصل سی و هشتم، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.
- ۲۰- طبق اصل سی و نهم، هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.
- ۲۱- مطابق اصل چهلم، هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.
- ۲۲- براساس اصل چهل و یکم، تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری در آید.
- ۲۳- طبق اصل چهل و سوم، یکی از سیاست های اقتصادی در جمهوری ایران رعایت آزادی انتخاب شغل است.
- ۲۴- در اصول چهل و ششم و چهل و هفتم حق مالکیت به رسمیت شناخته شده است.
- ۲۵- در اصل پنجاه و ششم حق تعیین سرنوشت به رسمیت شناخته شده است.
- ۲۶- بنا به اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی رئیس جمهور برای این که از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کند سوگند یاد می نماید.

۲۷- طبق اصل یکصد و پنجاه و ششم، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی از اهداف قوه قضائیه و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع از وظایف آن ذکر شده است.

۲۸- بنا به اصل یکصد و هفتاد و پنجم، در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

ی) سایر موارد

در اصول دیگر قانون اساسی نیز موضوعاتی مقرر شده است که یا از جلوه‌های جمهوری نظام است یا با آن ارتباط نزدیک دارد. به پاره ای از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱- بر اساس اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف جمهوری اسلامی مقرر در اصل دوم قانون اساسی همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

الف) محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

ب) مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۲- طبق اصل چهل و سوم، یکی از سیاست‌های اقتصادی در جمهوری ایران این است که تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی باشد که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

گفتار سوم: جلوه‌های اسلامیت نظام در قانون اساسی

الف) مبتنی بودن نظام بر پایه اصول دین و مذهب

طبق اصل دوم قانون اساسی، «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله‌علیهم اجمعین؛

ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیش برد آن‌ها؛

ج) نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند».

بنا به اصل مذکور اولاً اصول دین و مذهب به اضافه کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خداوند به‌عنوان پایه‌های نظام جمهوری اسلامی بیان شده‌اند، ثانیاً اجتهاد مستمر فق‌های جامع‌الشرایط، یکی از راه‌ها و شیوه‌های تحقق اهداف جمهوری اسلامی مقرر شده است. ثالثاً کتاب و سنت معصومین سلام‌الله‌علیهم اجمعین به‌عنوان دو منبع اصلی و مهم حقوقی نظام شناخته شده‌اند. رابعاً تحقق قسط و عدل که یک هدف اسلامی است، از جمله اهداف نظام ذکر شده است. موارد فوق بیانگر این موضوع است که اصل فوق از مصداق‌های بارزی است که اسلامی بودن نظام را نشان می‌دهد. این مساله در مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و هنگام تصویب اصل مذکور مورد نظر بوده و این مجلس قصد داشته با تصویب اصل دوم قانون اساسی که کار تصویب آن سه جلسه وقت مجلس مزبور را به خود اختصاص داد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۲۷۱-۲۰۶) مختصات مهم نظام جمهوری اسلامی را در مقایسه با سایر نظام‌ها بیان نماید (همان، ۲۰۶).

ب) اعلام رسمیت دین اسلام

به موجب اصل دوازدهم قانون اساسی، «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان

هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

این اصل یکی از مصادیق بارز اسلامی بودن نظام است. رسمیت دین اسلام که در این اصل مقرر شده است نشان می‌دهد که مسأله اسلامی بودن نظام یک امر صوری نیست بلکه در تمامی مناسبات و روابط باید این اسلامی بودن نظام لحاظ شود.

رسمیت مذهب جعفری اثنی‌عشری که مذهب اکثریت مردم ایران است هم به این معناست که غیر از موارد استثناء شده، استنباط مسائل اسلام برای تدوین قوانین و تنظیم مناسبات براساس این مذهب است (همان، ۴۶۲). بدون ذکر مذهب رسمی، اجتهاد مستمر فقها مذکور در اصل دوم قانون اساسی و نیز اجرای اصل چهارم قانون اساسی که بدان خواهیم پرداخت مفهوم مشخصی نمی‌یابد (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

ج) لزوم مطابقت همه قوانین و مقررات نظام با موازین اسلامی

اصل چهارم قانون اساسی یکی از شاخص‌های مهم اسلامی بودن نظام است. در این اصل حاکمیت قوانین اسلام بر تمامی قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف تضمین شده است. می‌توان این اصل را یکی از ضمانت‌اجراه‌های اصلی اسلامی بودن نظام دانست. طبق این اصل «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است» شورای نگهبان به‌عنوان نهادی که یکی از کارکردهای مهم آن تشخیص انطباق قوانین و مقررات مختلف با موازین اسلام است، به نوبه خود نهادی است که از لوازم اسلامی بودن نظام محسوب می‌شود.

در تکمیل اصل چهارم، اصل هفتاد و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»

د) قرار گرفتن ولی فقیه در رأس حکومت

مقرر نمودن ولی فقیه در رأس حکومت در قانون اساسی از جلوه‌های اسلامی بودن نظام است. اصل پنجم قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در این خصوص مقرر می‌دارد: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است». این قسمت از اصل پنجم در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بدون تغییر باقی ماند. از آنجا که اصل پنجم در زمره اصول کلی قانون اساسی است، خود مبنایی است برای اصول دیگری از قانون اساسی که از جمله این اصول می‌توان به اصول پنجاه هفتم، شصتم، نود و یکم، یکصد و هفتم، یکصد و هشتم، یکصد و نهم، یکصد و دهم، یکصد و یازدهم و یکصد و دوازدهم، یکصد و سیزدهم، یکصد و بیست و دوم، یکصد و سی‌ام، یکصد و سی و یکم، یکصد و پنجاه و هفتم، یکصد و هفتاد و پنجم، یکصد و هفتاد و هشتم و یکصد و هفتاد و نهم اشاره نمود.

هـ) سایر موارد

علاوه بر موارد مهمی که در بندهای قبل بیان شده، در اصول دیگری از قانون اساسی نیز به گونه‌ای بعد اسلامی نظام مطرح شده است که به بیان آنها می‌پردازیم.

۱- مطابق اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است که برای نیل به اهداف جمهوری اسلامی، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

الف) ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

ب) تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

پ) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

ت) پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

ث) توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

- ج) تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.
- ۲- در اصل دهم قانون اساسی ضمن تأکید بر اهمیت خانواده، استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی مقرر شده است.
- ۳- طبق اصل یازدهم قانون اساسی، «به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و أنا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتاند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.
- ۴- بنا به اصل چهاردهم قانون اساسی، «به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضداسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».
- ۵- در اصل بیستم قانون اساسی، برخورداری زن و مرد از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام پیش بینی شده است.
- ۶- در اصل بیست و یکم قانون اساسی، دولت موظف شده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.
- ۷- در اصل بیست و چهارم، مخل به مبانی اسلام بودن به عنوان یکی از قیود و محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان در نشریات مقرر شده است.
- ۸- در اصل بیست و ششم، نقض نکردن موازین اسلامی و جمهوری اسلامی از شرایط آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده ذکر شده است.
- ۹- طبق اصل بیست و هفتم، یکی از شرایط آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها مخل به مبانی اسلام نبودن است.
- ۱۰- بنا به اصل بیست و هشتم، یکی از شرایط آزادی انتخاب شغل مخالف اسلام نبودن است.

- ۱۱- طبق اصل چهل و سوم، از جمله سیاست‌های اقتصادی کشور این امر است که تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی باشد که شکل و محتوا و ساعت کار اجازه دهد هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، داشته باشد.
- همچنین در اصل مذکور اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام منع شده است.
- ۱۲- در اصل چهل و چهارم مالکیت در سه بخش اقتصادی کشور تا جایی که از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی ذکر شده است.
- ۱۳- در اصل یکصد و چهل و هفتم، دولت موظف شده است در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند.
- ۱۴- طبق اصل یکصد و پنجاه و یکم، دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید.
- ۱۵- در اصل یکصد و پنجاه و یکم، دفاع از حقوق همه مسلمانان به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشخص شده است.
- ۱۶- بنا به اصل پنجاه و ششم، «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است..»
- ۱۷- طبق اصل شصت و یکم، «اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.»
- ۱۸- مطابق اصل شصت و هفتم، نمایندگان مجلس در نخستین جلسه مجلس در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنند و تعهد می‌نمایند که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشند.
- ۱۹- بنا به اصل یکصد و چهارم، «به منظور تأمین قسط اسلامی و... در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود.»

- ۲۰- براساس اصل یکصد و پنجم، تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام باشد.
- ۲۱- بنا به اصل یکصد و پانزدهم، رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور باشد، انتخاب گردد.
- ۲۲- طبق اصل یکصد و بیست و یکم، رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کند که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی باشد و خود را وقف ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازد و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به‌عنوان امانتی مقدس به او سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارد.
- ۲۳- در اصل یکصد و چهل و چهارم، مقرر شده که ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است.
- ۲۴- در اصل یکصد و پنجاه و ششم، یکی از وظایف قوه قضاییه، اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام بیان شده است.
- ۲۵- بنا به اصل یکصد و پنجاه و هفتم، رئیس قوه قضاییه باید مجتهد عادل باشد.
- ۲۶- طبق اصل یکصد و شصت و دوم، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل باشند.
- ۲۷- طبق اصل یکصد و شصت و سوم، «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.»
- ۲۸- بنا به اصل یکصد و شصت و هفتم، قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید.
- ۲۹- اصل یکصد و شصت و هشتم مقرر نموده است، نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.

۳۰- مطابق اصل یکصد و هفتادم، قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

۳۱- بر اساس اصل یکصد و هفتاد و یکم، هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است.

۳۲- طبق اصل یکصد و هفتاد و پنجم، در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

۳۳- در اصل یکصد و هفتاد و هفتم که در بازنگری سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی الحاق شده است، محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و ولایت امر و امامت امت و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر اعلام شده است.

موضوعاتی که در این بند مطرح شد، مواردی است که به گونه‌ای صریح بعد اسلامیت نظام نسبت به موضوع بیان شده است، در اصول دیگر قانون اساسی مواردی که به‌طور ضمنی نشانگر اسلامیت نظام است نیز وجود دارد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی با معرفی امام خمینی (ره) و تأیید اکثریت مردم ایران به‌عنوان نوع حکومت پس از سقوط رژیم شاه مشخص گردید. قانون اساسی به‌عنوان سند تأسیس نظام، قانون مادر و میثاق ملی، به وجهی شایسته دو بعد اساسی این نوع حکومت یعنی جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار داده است. در این خصوص انتخابی بودن رهبر، انتخابی بودن رئیس جمهور، انتخابی بودن اعضای مجلس شورای اسلامی، انتخابی بودن اعضای شوراها و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی برای افراد ملت از مهمترین جلوه‌های جمهورییت نظام و مبتنی بودن نظام بر پایه اصول دین و مذهب، اعلام رسمیت دین اسلام، لزوم مطابقت همه

قوانین و مقررات نظام با موازین اسلامی و قرار گرفتن ولی فقیه در رأس حکومت از مهمترین جلوه‌های اسلامیت نظام در قانون اساسی است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت جمهوری اسلامی یک لفظ صوری نبوده بلکه امری واقعی است که نمایانگر شکل حکومت و مناسبات حاکم بر آن است و ابعاد دو گانه و مشروعیت ساز آن (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۵۲) در قانون اساسی تضمین شده و دارای پشتوانه‌ای محکم است و بسیاری از اصول قانون اساسی نشان‌دهنده دو بعد جمهوریت و اسلامیت نظام است. با عنایت به بازتاب ابعاد جمهوریت و اسلامیت نظام در اصول متعدد قانون اساسی، لازم است برای مطالعه نظام جمهوری اسلامی ایران، هر دو بعد جمهوریت و اسلامیت نظام و جلوه‌های متکثر و متنوع آنها در قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد تا شناخت صحیحی از نظام حاصل گردد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۰). دانشنامه سیاسی. تهران: مروارید.
- مک لین، ایان (۱۳۸۱). فرهنگ علوم سیاسی، ترجمه حمید احمدی. تهران: میزان.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (ره)، ۲۲ جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شفیعی فر، محمد (۱۳۸۵). فرآیند استقرار جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۶). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). حقوق اساسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۷). کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجد.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ۲ جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۳). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
- قلفی، محمد وحید (۱۳۸۴). مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران. تهران: چاپ و نشر عروج.

مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). **مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**. تهران: اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی.

----- (۱۳۶۸). **مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی**. تهران: اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی.

منصور، جهانگیر (۱۳۸۱). **مجموعه قوانین شهر و شهرداری**. تهران: نشر دوران.

(ب) منابع انگلیسی

Garner, Bryan, A., (2000). **Black Law Dictionary**, Tehran: Dadgostar.
<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/498751/republic>